

یادداشت روز

یک سرمایه‌گذاری عاشقانه

محمد رضا نادری



● زمانی‌که صحبت از سرمایه‌گذاری است، تمام چشم و گوش‌ها به سمتی تیز می‌شود که منبع آن کجاست؟ کم اتفاق می‌افتد در روزگار اقتصاد سرگردان با دل، عاشقانه‌ای ساخت و پای ریسک آن نشست. این‌روضا همه چنان سردرگم پدیده‌های نوظهور در اقتصاد ناباور هستیم که هرگونه باروری در اقتصاد فرهنگی را به‌منابه تولد جنین ناقص‌الخلقهای می‌پنداریم که قصد مکش خون غیری دارد. سخن از سرمایه‌گذاری در سریال «عاشقانه» است که درحال‌حاضر در شبکه خانگی این‌روزها به نمایش درآمده و از انتقاد در امان نیست. شایسته است جامعه مخاطب این سریال از سرمایه‌ای که برای این موضوع در نظر گرفته شده باخبر شوند مبدا ذهن‌های کنج‌کاو و کاوشگر با شایعاتی همسو شده و بنا را بر فرضیه مرسوم این روزها یعنی «پول‌ها یادآورده» یا به‌عبارتی «پول‌شویی» قصد فریب افکار عمومی را در سر ببروراندند. همه نیک می‌دانیم هزینه‌های چنین سریالی با دراختیارداشتن نامیان سینمای ایران و پشتیبانی و تدارکات آن بدون پشتیبانگرهای اقتصادی (اسپانسر) تقریبا غیرممکن است و این پشتیبانی کاملا دوطرفه بوده و هرکدام در ورود و احیاناً خروج آن که به سوددهی احتمالی تعبیر می‌شود، سهم بسزایی دارند و نیز همه به‌خوبی می‌دانیم در شرایط حساس امروزی درخصوص هرگونه سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی باید از تمام مجاری قانونی کسب تکلیف و مجوز کرد تا مبدا از آن هرگونه تعبیر به حاشیه‌سازی نشود. این سریال هم مشابه سایر سریال‌های خانگی از تمامی مراجع قانونی ذی‌صلاح و بسترهای قانونی فرهنگی اجازه نمایش گرفته و جای هیچ‌گونه پرتنزی یا سه‌نقطه‌ای که از آن تعبیر و تفسیر به سوءاستفاده‌های مالی شود نمایان نیست. دست‌اندرکاران این سریال و به‌ویژه پشتیبانگر آن بنا بر سوابق فرهنگی، علمی و کارآفرینی در زمره شرکت‌های دانش‌بنیانی است که خوشبختانه در سطح ملی از خدمات قابل‌توجهی برخوردار بوده و اساس ساخت این نوع از سریال را با توجه به محتوای مفهومی آن سعی در بازنشانی آسیب‌های اجتماعی و راهکارهایی در پیوند خانواده آن‌هم در غالب ارتباط صنعت با اساس و زیرساخت‌های فرهنگی که به‌نوعی در ارتباط عاطفی بین کسبتهای موجود برخی از خانواده‌ها نقش کمک‌گر را ایفا می‌کند، در ذهن دارد و برهمین‌اساس نسبت به تهیه و پشتیبانی آن اقدام کرده است چه‌از آنجایی که با پاری‌گرفتن از سبمل کارکنادونا به فهم این موضوع و فرهنگ‌سازی می‌پردازد و چه آنجایی که به کمک معیارهای فرهنگی ایران در پایداری فرهنگ خانواده نقش‌آفرینی در همدان‌پنداری را به نمایش می‌گذارد. این‌نیز از خاطران‌نرد که دولت‌ها در اکثر کشورهای پیشرفته با سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی در انجام این گونه از پروژه‌های فرهنگی که مبادرت به معرفی آسیب‌های اجتماعی می‌کنند نه‌تنها در این مسیر به حاشیه‌روی نمی‌پردازند که برعکس مشوق و حتی پشتیبان چندجانبه در تهیه و نمایش آنها شده یا حتی در کمترین مورد به معرفی آن به صورت بین‌المللی، آن‌هم در قالب فرهنگ‌سازی اقدام می‌کنند نظیر آنچه در معرفی و اهدای جایزه آکادمی اسکار نصیب هنرمند ایرانی و در نتیجه افتخارآفرینی برای جامعه ایرانی شد. در پایان، دور از هرگونه شائبه‌گیری امید داریم نمایش این دست از سریال‌ها در فرهنگ‌سازی و امکان‌کپی‌نکردن آن از سوی مردم که خود از مهم‌ترین پشتیبان‌های فرهنگی در ارائه و معرفی شاخص‌های فرهنگ کهن این سرزمین‌اند، در تعادل جامعه در تمام ارکان آن نقش بسزایی برعهده گرفته و از نتایج آن به رشد و پویایی بیشتر فرهنگ این دیار کمک کنیم.

جاری‌چی

نشست

«رسانه، فرهنگ و جهان اسلام»

● شرق: نخستین نشست «رسانه، فرهنگ و جهان اسلام» از سوی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات دوشنبه هفته آینده برگزار می‌شود. این نشست در دو پیل تخصصی دوشنبه ۱۶ اسفند در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار خواهد شد. پیل اول این برنامه به «اسلام، فرهنگ و توسعه» اختصاص دارد که در آن سیدعباس میری و زید احمد سخترانی می‌کنند. در پیل دوم با موضوع «اسلام و رسانه‌ها» نیز سیدوحید عقیلی، مهدی منتظر قائم و مراد میرکان حضور دارند. این نشست به همکاری جامعهالمصطفی العالمیه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و راین علمی ایران در ملزری برگزار می‌شود.

شرق: در شانزدهمین جایزه مهرگان در بخش رمان، چیدن باد نوشته محمد قاسم‌زاده از نشر قطره و در بخش مجموعه داستان کوتاه این جایزه مجموعه داستان سرطان جن نوشته رامبد خانلری از نشر آگه به عنوان آثار برگزیده لوح و تندیس جایزه مهرگان ادب را دریافت کردند. همچنین در این مراسم از وضعیت محیط زیست و ممیزی کتاب انتقاد شد. در این مراسم هوشنگ ضیایی، رئیس هیئت داوران مهرگان علم وضع محیط زیست را بسیار اسفناک دانست.مهدی غبرایی داور بخش مهرگان ادب از ممیزی کتاب‌ها انتقاد کرد و گفت: چنان‌چه فضای ممیزی و محدودیت‌ها کاهش پیدا کند می‌توان امیدوار بود آثار بهتری از سوی نویسندگان خلق شود. بروز و ظهور سلیقه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد شرایط سختی را برای پدیدآورندگان آثار ادبی به وجود آورده است و چنان‌چه این روند ادامه یابد بر خلق آثار، اثر خواهد گذاشت.در بیانیه هیئت داوران مهرگان ادب آمده است: از میان ۱۹۷ رمان، نولت و داستان بلند که در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ در ایران منتشر شده است و همچنین از میان ۲۰۶ مجموعه داستان کوتاه که در سال‌های مذکور انتشار یافته برندگان نهایی جایزه مهرگان ادب (دوسالانه ۱۳۹۲-۱۳۹۳) را برگزیده است.هیئت داوران اعتقاد دارد که چنان‌چه فضای حاکم بر ممیزی کتاب تغییر کند و محدودیت‌ها کاهش یابد، می‌توان امیدوار بود که آثار درخشان‌تری چاپ و منتشر شود. گرچه در سال‌های اخیر تا حدی از مشکلات و تنگناهای مربوط به ممیزی نسبت به سال‌های قبل کاسته شده است، اما بروز و ظهور سلیقه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد در بررسی کتاب‌ها شرایط سختی برای پدیدآورندگان آثار ادبی به وجود آورده است. چنان‌چه چنین وضعیت سردرگمی همچنان ادامه داشته باشد، بی‌تردید بر خلق آثار ادبی اثرگذار خواهد بود. درهرحال گزینش هیئت داوران مهرگان ادب محدود به بررسی آثار منتشرشده در طول دوره است.در بخش رمان، نولت و داستان بلند هیئت داوران از میان هفت رمان راه‌یافته به مرحله نهایی به اتفاق آرا رمان دوجلدی چیدن باد نوشته محمد قاسم‌زاده از

هنر

در شانزدهمین جایزه مهرگان با انتقاد از ممیزی کتاب

«چیدن باد» و «سرطان جن» برگزیده شدند



نشر قطره را به دلیل زبان ساده و روان، چندصدایی بودن اثر و بازگویی تاریخ از دیدگاه همه لایه‌ها و طبقات مؤثر اجتماع، به عنوان بهترین رمان فارسی انتخاب کرده و شایسته دریافت تندیس مهرگان ادب و جایزه نقدی دانسته است.نویسنده، تاریخ و ادبیات سرزمین خود را به خوبی می‌شناسد، نگرشی قالبی ندارد و جست‌وجوگر زوایای پنهان تاریخ است. در این رمان هر شخصیت تاریخی با زبان خود تاریخ را روایت می‌کند و نه به زبان راوی. هیئت داوران همچنین به اتفاق آرا رمان خوف نوشته شیوا ارسطویی از نشر روزنه را به دلیل زبانی مؤثر و قوی و به‌دوراز تعقید، چندصدایی بودن و ساختن فضای وهم‌آمیز هراس و خوف با نگاه به وضعیت روانی جامعه امروز شایسته عنوان نخستین رمان تحسین‌شده هیئت داوران و دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب می‌داند.رمان خوف داستان انسان شهری است و پیچیدگی‌های متفاوت؛ و روشنگر دوره‌ای از جامعه و زست فرهنگی ما. نویسنده مخاطب را – انسان تنهای امروزی را، محصور در لایه‌های ترس- به تامل و اندیشیدن وا می‌دارد.هیئت داوران همچنین به اتفاق آرا رمان کافورپوش نوشته عالیه عطایی از نشر ققنوس را به دلیل نشان‌دادن تباهی هویت انسانی، اجتماعی و فردی شهروند امروز، رجوع‌دادن خواننده به درون و برانگیختن او به تامل درباره هویت فردی و اجتماعی‌اش، شایسته عنوان دومین رمان تحسین‌شده هیئت داوران و دریافت لوح

گفت‌وگو با امیرشهاب رضویان

از سینما و وطنم طلبکار نیستم



Amir Shihab Rezaei

فرانک آرتا: امیرشهاب رضویان یکی از افراد ناشناخته سینمای ماست. با وجود ابوالمشاغل بودنش هنوز کاملاً کشف نشده. از ظاهر منحصربه‌فردش تا طنزهای کلامی‌اش در مصاف با دیگران، از غمگینی برخی از فیلم‌هایش، از مدیریت آموزشگاه موفق «هیلاج» و... به نظر می‌رسد که همچنان هر آنچه را که در چپته دارد، رو نکرده. به تازگی سومین جشنواره تاتر - سینمایی هیلاج برگزار شد. در این جشنواره به سینمای کوتاه به شکل حرفه‌ای و در قالب بخش خصوصی توجه زیادی شد. به‌ویژه آنکه حرفه‌ای‌های سینمای ایران داوران و حامیان‌ش بودند. به این بهانه با او گفت‌وگو کردیم.

فرانک آرتا: امیرشهاب رضویان یکی از افراد ناشناخته سینمای ماست. با وجود ابوالمشاغل بودنش هنوز کاملاً کشف نشده. از ظاهر منحصربه‌فردش تا طنزهای کلامی‌اش در مصاف با دیگران، از غمگینی برخی از فیلم‌هایش، از مدیریت آموزشگاه موفق «هیلاج» و... به نظر می‌رسد که همچنان هر آنچه را که در چپته دارد، رو نکرده. به تازگی سومین جشنواره تاتر - سینمایی هیلاج برگزار شد. در این جشنواره به سینمای کوتاه به شکل حرفه‌ای و در قالب بخش خصوصی توجه زیادی شد. به‌ویژه آنکه حرفه‌ای‌های سینمای ایران داوران و حامیان‌ش بودند. به این بهانه با او گفت‌وگو کردیم.

که کامکان خشک بود. این‌بار پول داشتم و قهوه ترک سفارش دادم. خیره بودم به درخت کاج و به این نتیجه رسیدم که کاج خشک، خشکیده است و بهتر است به جای نگاه‌کردن به آن و اجازه وارد افکار منفی به ذهنم، به دنبال راه چاره باشم. پس در یک اقدام انقلابی و بدون حساب و کتاب تجهیزات تدوین بتاکسم را فروختم و با کمک یکی از دوستانم در آلمان یک دوربین آری فلکس ۳۵ میلی‌متری BL۱ به قیمت ۳۳ هزار مارک وجه رایج کشور آلمان خریدم. چیزی حدود ۱۳ میلیون تومان آن روزها.

● در آن زمان پول زیادی بود؟

خلاصه اینکه برخلاف دیگران تنها کارگردانی بودم که خودم دوربین داشتم و پس از ساختن «سفر مردان خاستری» بسیاری از دوستان دیگر هم با این دوربین فیلم ساختند. حمید فرخ‌نژاد، مجید بزرگ، نیکی کریمی، علیرضا امینی، سامان سالور، منیره حکمت و خیلی‌های دیگر.

● پس دوربین برپرتی بود؟

بله. آن روزها هنوز واحد پولی «پیورو» و فناوری «دیجیتال» به سینما ورود پیدا نکرده بود. پس همه چیز عظمت داشت. فیلم‌ساختن با نگاتنو ساده نبود و فیلم که می‌ساختی، کلی اعتبار برایت می‌آورد، خلاصه اینکه برای ساختن هریک از فیلم‌هایم یک بار رفتم‌ا کافه نادری و آن درخت خشک هم بدون کمترین معنی در همان جاست و بی‌معنی ایستاده بود.

● حالا مردم به سینمایی «هیلاج» چگونه سر برآورد؟

روزی دیگر رفتم کافه نادری و البته همان درخت خشک با آن قامت افراشته داشت به ریشم می‌خندید. دیدم وقت اضافی دارم، اتاق اضافی هم در دفتر داشتیم، رفقای خوب و غیراضافی هم داشتیم، پس کلاس‌های فنی و بازیگری راه انداختم و مدرسه فیلم‌سازی هیلاج شکل گرفت. اوایل، هنرجو کم داشتیم و تدریجا به یکی از مهم‌ترین آموزشگاه‌های کشور مبدل شدیم.

● با این‌همه مشغله، چگونه بی‌کاری هشت‌ساله‌تان شکل گرفت؟

اوضاعم نسبتاً خوب بود که فیلم «مینای شهر خاموش» را ساختم. سیمیرغ فجر را گرفت و بدبختی آغاز شد. هشت سال بی‌کاری! خب در این مدت سنا

تقدیر مهرگان ادب می‌داند.رمان کافورپوش برخلاف رمان‌های عادی از آنچه «عناصر داستان» نامیده می‌شود کمتر دارد اما قصه مسخ‌شدن و بی‌هویتی انسان معاصر ایرانی را به‌خوبی بازتاب داده است.هیئت داوران از زمان پایان خوش ناتمام نوشته کاوه میرعباسی از نشر ثالث نیز به عنوان رمانی شایسته تقدیر یاد می‌کند.هیئت داوران در بخش مجموعه داستان کوتاه از میان هفت مجموعه داستان راه‌یافته به مرحله نهایی به اتفاق آرا مجموعه داستان سرطان جن نوشته رامبد خانلری از نشر آگه را به دلیل زبان غنی و جذابیت و کششی در‌خور قصه، کاشف ترسی نشست‌گرفته از ندانستن‌ها و خرافه و داشتن داستانی دلنشین که وام‌دار روایت‌های زبانی گذشتگان است، به عنوان بهترین مجموعه داستان کوتاه انتخاب کرده و شایسته دریافت تندیس مهرگان ادب و جایزه نقدی دانسته است.در میان مجموعه داستان‌های منتشرشده تک‌داستان‌های درخشانی وجود داشت که هریک می‌توانست موجب انتخاب یک مجموعه داستان و برگزیده‌شدن آن به عنوان مجموعه داستان تحسین‌شده هیئت داوران شود ولی توجه هیئت داوران به همه داستان‌های یک مجموعه و کلیت اثر بوده است. به‌همین‌دلیل هیئت داوران به اتفاق آرا مجموعه داستان غریبه‌ای زیر درخت نارنج نوشته کرم‌رضا تاج‌مهر از نشر ثالث را به دلیل خلق فضاهای تازه و متفاوت از مرگ و زندگی، ایجاد تعلیق و درگیرکردن ذهن خواننده و اجرای فرم‌های متنوع روایت، شایسته‌ست عنوان اولین مجموعه داستان تحسین‌شده هیئت داوران و دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب دانسته است.هیئت داوران و دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب دانسته است و مجموعه داستان پل‌ها نوشته احمد ابوالفتحی از نشر چرخ را به دلیل شکست‌ن مرز واقعیت و خیال، بازآزمای حسرت، خلق فضاهای بومی و نمایاندن رابطه شخصیت‌ها با گذشته فردی و تاریخی، به عنوان دومین مجموعه داستان تحسین‌شده هیئت داوران و دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب دانسته است.هیئت داوران همچنین دو مجموعه داستان دوربرگردان نوشته میثم کیانی از نشر زاوش و عکس‌های دسته‌جمعی نوشته حمید امجد از نشر نیلا را شایسته تقدیر می‌داند.

روزنه آبی

نگاهی به برنامه سینمایی هفت



● الف- چند نکته مثبت مشاهده‌شده در برنامه سینمایی هفت (۱۳ اسفند ۹۵):

۱- برای تحلیل چگونگی اهدای جایزه اسکار، از یک ایرانی عضو هیئت انتخاب اسکار استفاده شد و نه از «انجمن پنچرگیران».

۲- برای نقد فیلم، نه از یک منتقد ثابت و کلیشه‌ای که از دو منتقد دیگر با دو طرز فکر دیگر، استفاده شد. ۳- در جریان تحلیل و نقد فیلم، از حضور کارگردان فیلم استفاده نشد و نشست نقد فیلم بدون حضور کارگردان فیلم برگزار شد. (مقاله‌ای که پیش از این در نقد یک سنت غلط نقادی در ایران، نوشته بودم، در روزنامه «شرق» و در نقد سنت غلط حضور کارگردان در نشست انرش، چه اثر تاتاری، چه اثر سینمایی، سرانجام نتیجه داد و به‌تدریج در حال تبدیل‌شدن به یک روش اجرایی است).

ب- چند نکته انتقادی درباره «روش نقد فیلم»

منتقدان حاضر در برنامه هفت:

۱- سینما فقط به دو نوع «حادثه‌محور» و «شخصیت‌محور» خلاصه نمی‌شود؛ هرچند فضای مسلط بر سینمای جهان و ایران را همین دو نوع تشکیل می‌دهد.

۲- در کنار این دو مدل روایتی، می‌توان از انواع سینمای دیگر نام برد، مانند «مسئله‌محور» (سینمای قصه‌گوی فرهنگی)، سینمای «موقعیت‌محور» (در ایران سینمای تاریخی اصلائی و در اروپا سینمای اگزیستانس برگمان) و سینمای «اندیشه» (سینمای «نقد موقعیت»، «نقد در موقعیت» و «نگاه فراموقعیت») که فعلاً در ایران وجود ندارد؛ ولی در برخی آثار جهانی مثل سینمای یلا تاار در اروپای شرقی، سینمای ژان لوک گدار در اروپای غربی و سینمای کاراوتیس در آمریکا می‌توان آن را مشاهده کرد.

۳- هر فیلمی قابل نقد نیست، به‌ویژه تمام فیلم‌های وابسته به سینمای «عامه‌پسند قصه‌گو» (حادثه‌محور، شخصیت‌محور و مسئله‌محور)، زیرا این فیلم‌ها، فقط و منحصرأ، «آسیب‌شناسی» می‌شوند و نه «نقد». «آسیب‌شناسی» از جنس مواجهه تکنیکال «عامل» با «امر واقع» است (مثل مواجهه تعمیرکار ماشین با عیب ماشین؛ ولی «نقد» از جنس مواجهه «ذهن سوژه» با «گزاره‌ها» و «مفاهیم» است (مانند مواجهه یک مهندس طراح ماشین با روش‌ها و مفاهیم طراحی ماشین) و این دو «جنس» با هم تفاوت دارند.

(در سه مقاله «نقد و پاتولوژی»، «نقد چیست؟» و «نقد، شبه‌نقد و ادبیات نقد»، با ارائه دلایل لازم، به تبیین این «تمایز» پرداخته‌ام).

۴- بنابراین برای فیلم‌ها (و همین‌طور برای تئاترها و سریال‌ها) «قصه‌گوی عامه‌پسند» (در هر سه نوع «حادثه‌محور»، «شخصیت‌محور» و «مسئله‌محور») «مراسم نقد» برگزارکردن، «روش غلطی» است که متأسفانه در ایران (در تلویزیون، در فرهنگ‌سراها، در جشنواره‌ها، در مجلات و روزنامه‌های سینمایی)، یک سنت غلط شایع و رایج است، سنت غلطی که روزی باید در آن هم تغییر ایجاد شود.

زیر آسمان فیروزه ای

۱۰۰ اثر از ۵۱ کاریکاتورپست

مطبوعاتی در جشن چهاردهم

● شرق: امسال در بخش طنز و کاریکاتور چهاردهمین دوره جشن تصویر سال، صد اثر از ۵۱ کاریکاتورپست مطبوعاتی به نمایش درآمده است. آرون، دبیر بخش کاریکاتور درباره انتخاب این آثار می‌گوید: مانند سال پیش امسال هم از میان چند هزار اثر کارتون و کاریکاتور چاپ‌شده در مطبوعات ایران، با همکاری دبیران طرح روزنامه‌ها و همکاری هیئت داوران بخش کاریکاتور این دوره مجموعه‌ای را گردآورده‌ایم و با حمایت بی‌دریغ سیف‌الله صمدیان و تیم همکاران نازنینش در جشن تصویر به روی دیوار برده‌ایم. او اظهار امیدواری می‌کند حاصل کار به عنوان یک گزارش کار سالانه اجمالی و مصور پاسخ‌گوی توقعات مخاطبش باشد و به دیده بازدیدکنندگان امسال و علاقه‌مندان کارتون و کاریکاتور خوش بشیند. آروین در پایانی می‌افزاید: توصیه می‌کنم بازدید از مهم‌ترین رخداد و گردهمایی صبری مستقل و تماشایی سال را در خانه هنرمندان ایران از دست ندهید. چهاردهمین نمایشگاه و جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر تا بیستم اسفند ادامه دارد. این مجموعه حاصل یک سال کار گروهی من و دبیران سرویس طرح روزنامه‌ها و جامعه کارتون‌نست‌های فعال مطبوعات داخلی در رصد، جمع‌آوری و گزینش هزاران کارتون منتشرشده در مطبوعات کشور است که بدون هیچ بودجه و حمایت دولتی و تنها با حمایت و تشویق صمدیان انجام شده و به لطف جشن تصویر سال به روی دیوار رفته است. در بخش کاریکاتور، هیئت انتخاب و داوری شامل کامبیز درمخش، هادی حیدری و حسن کریم‌زاده است.

از به چه انگیزی‌ا نمایشگاه نقاشی مقابل کاخ سفید